

**بررسی شیوه‌های محقق حلی در اعتبارسنجی احادیث ضعیف
با تکیه بر کتاب «المعتبر فی شرح المختصر»***

سمیه کاکائی^۱

ابراهیم ابراهیمی^۲

علیرضا طبیبی^۳

علی حسن‌بیگی^۴

چکیده

عقیده به ناکارآمدی نظام اعتبارسنجی حدیث‌پژوهان پیشین و ابداع نظام اعتبارسنجی نوین در حله، سند را به عنوان مهمترین عامل در اعتبار روایات مطرح کرد. ارمغان این سبک از ارزیابی، مواجهه با چالش‌هایی بود که ناشی از محوریت ویژگی‌های راوی در اعتبارسنجی روایات بوده است. از جمله این چالش‌ها، روبرو شدن با حجم زیادی از روایات ضعیف است. این مقاله درصدد است تا تدابیر و راهکارهای محقق حلی را در تعامل با احادیث ضعیف بررسی کند و میزان اعتماد وی را در بکارگیری این روایات بسنجد. نتیجه آنکه محقق حلی در برخورد با روایات ضعیف، از آنجا که دغدغه اصلی وی حجیت بوده، از راهکار «تجمیع قرائن» در اعتباربخشی به دسته‌ای از این روایات استفاده کرده و از قرائنی چون عمل اصحاب، ثقه بودن راویان، سلامت روایت از وجود معارض، موافقت با احادیث صحیح و مطابقت با «نظر» و «اصل» استفاده کرده است. البته پس از اعتباربخشی، از این روایات نه به عنوان یک دلیل مستقل، بلکه به عنوان شاهد و گواه بهره گرفته است.

واژگان کلیدی: محقق حلی، روایات ضعیف، سند، خبر واحد، حجیت.

* دریافت: ۹۸/۰۶/۱۷ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۲ (مقاله پژوهشی).

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) / s.kakaie1398@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک / e-ebrahimi@araku.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک / a-tabibi@araku.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک / a-hasanbagi@araku.ac.ir

۱- مقدمه

تا پیش از قرن هفتم هجری، روایات از نظر پیشینیان به دو دسته روایات معتبر و نامعتبر تقسیم می‌شد. روایاتی که در کتاب‌های شناخته شده و با سندهای مقبول بودند و یا قرینه‌هایی بر صدور آنها و صحت مضمونشان گواهی می‌داد، معتبر و غیر آنها نامعتبر نامیده می‌شدند (شیخ بهائی، ۱۴۱۴، صص ۲۶۹، ۲۷۰). به عبارت دیگر، اطمینان از صدور حدیث از معصوم (ع) شرط اصلی در اعتبار احادیث بوده است.

از قرن هفتم به بعد، با پررنگ شدن موضوع حجیت خبر واحد و تمسک به نص قرآنی (حجرات: ۶/۴۹)^۱ در این زمینه، بحث ارزیابی روایات بر اساس سند و راویان در اولویت قرار گرفت و موضوع شروط راوی^۲ نزد فقیهان و عالمان حله برای نخستین بار مطرح شد. از بین این شروط، دو شرط «ایمان»^۳ و «عدالت»^۴ در نگرش آنها در ارزیابی روایات، نقشی کلیدی یافت و اساس ارائه یک تقسیم جدید از احادیث قرار گرفت.

فقیهان حله روایات را بر پایه ویژگی‌های سند و راویان به سه دسته صحیح، موثق و حسن تقسیم کردند و چنانچه روایتی فاقد شروط سه دسته مذکور بود، آن را ضعیف دانسته و در مجموع کل روایات را در چهار دسته قرار دادند.

هرچند محقق حلی را نمی‌توان در زمره کسانی به حساب آورد که کاربست اصطلاحات جدید حدیثی را به آنها نسبت داده‌اند، اما اساس ارزیابی‌های وی از روایات، به ویژه در کتاب «المعتبر فی شرح المختصر» سند و راوی بوده است و بر همین اساس، بسیاری از روایات را ضعیف خوانده است. گفته شده که بی‌اعتباری و عدم حجیت حدیث ضعیف به دلیل فقدان شروط حجیت خبر واحد در آن، مورد اتفاق همه فقیهان متأخر است (فضلی، ۱۴۱۶، ص ۱۶۸)، اما این یک ادعای کلی است و با عملکرد بسیاری از فقیهان سازگاری ندارد. واقعیت این است که تکیه بر قواعد سندی در ارزیابی روایات چالش‌هایی را بر فقیهان تحمیل کرده است؛ به دلیل

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾

۲. منظور از شروط راوی، صفات و خصوصیتی است که راویان یک حدیث، در مرحله تحمل یا ادای آن می‌بایست بدان متصف باشند تا روایت آنها در شمار روایات مقبول قرار گیرد.

۳. در عرف محدثان و فقیهان منظور از ایمان آن است که راوی حدیث، شیعه دوازده امامی باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۸۹/ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۵). در مورد راویانی که در عصر ائمه (ع) می‌زیسته‌اند؛ جلوه آن، اعتراف به امامت آن امام بوده و برای کسانی که بعد از عهد ائمه (ع) آمده‌اند، اثناعشری بودن راوی ملاک است (سبحانی، بی‌تا، ص ۱۳۲).

۴. تعریف مشهور متأخران چنین است: «أن العدالة كیفیة نفسانیة راسخة تبعث المتصف بها علی ملازمة التقوی و المروءة، و تتحقق باجتناوب الكبائر و عدم الإصرار علی الصغائر» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۵۰۱/ همان، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۳۲/ شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۵/ همان، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۰۱/ عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۴).

اینکه بسیاری از مستندات آنها در حوزه فقهی در شمار احادیث ضعیف قرار می‌گیرند و از دایره حجیت خارج می‌شوند. همین امر، چاره‌جویی آنها برای جبران ضعف روایات و اعتباربخشی به آنها را به دنبال داشته است. از جمله این افراد، محقق حلی است. این که محقق حلی چه شیوه‌ای را برای این منظور اتخاذ کرده است؟ و بعد از فرآیند اعتباربخشی، تا چه میزان به این روایات اعتماد دارد؟ سؤالاتی هستند که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آنها می‌باشد.

از آنجا که محقق حلی جزو نخستین عالمان حلی بوده است که با استناد به سند، اظهار به ضعف روایات کرده است و از طرف دیگر، شخصیت‌هایی چون فاضل آبی و علامه حلی شاگرد ایشان بوده‌اند، آشنایی با عملکرد وی در این زمینه می‌تواند تا حدود زیادی ما را با نگرش و تعامل متأخران در مواجهه با روایات ضعیف آشنا سازد.

در راستای تحقیق حاضر، پژوهش‌هایی صورت گرفته که دو مورد از مهمترین آنها به صورت زیر است:

- مقاله‌ای با عنوان «روایات تفسیری ضعیف‌السند؛ چیستی، روش تعامل و کارآمدی» از آقای عبدالهادی مسعودی؛ این پژوهش با محوریت روایات تفسیری شکل گرفته است، ولی پژوهش حاضر بر محور روایات فقهی و عملکرد محقق حلی در کتاب «المعتبر فی شرح المختصر»^۱ است و حجیت حدیث ضعیف را از دیدگاه ایشان بررسی می‌نماید؛

- آقای امین حسین‌پوری در کتابی با عنوان «احادیث ضعیف» رویکرد عالمان متقدم شیعه را مورد بررسی قرار داده است و از لحاظ دوره زمانی و کلیت با این پژوهش متفاوت است؛ در این نوشتار سعی بر آن است تا با بررسی مواضع ضعف‌سندی در آثار محقق حلی، به‌ویژه کتاب «المعتبر»، اندیشه و روش محقق حلی در اعتباربخشی به روایات ضعیف ارائه شود و در مواضع مورد نیاز تحلیلی منطقی از عملکرد وی بیان گردد.

۲- انواع خبر از نظر محقق حلی

همانطور که پیشینیان خبر را بر دو قسم متواتر و واحد می‌دانستند، نزد محقق حلی نیز چنین تقسیمی برای اخبار وجود داشته است. ایشان خبر متواتر را خبری دانسته است که مفید علم باشد و آن را حجّت می‌داند، چون یقین‌آور است، ولی خبر واحد را فاقد چنین ویژگی می‌داند

۱. علت انتخاب این کتاب، زمینه استدلالی این کتاب فقهی است که محقق در آن پس از بیان ارزیابی‌های خود از روایات، دلایل انتخاب و گزینش آنها را نیز بیان کرده است.

(محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹) و منکر حجّیت فی نفسه و ناکارآمدی اینگونه از خبر در تقابل با دلایل قطعی (قرآن، سنّت متواتر، اصول مذهب، اجماع شیعیان) است. وی در کتاب اصولی خود «معارج الأصول»، ادلّه عقلی و نقلی حجّیت فی نفسه خبر واحد را ناکارآمد دانسته (محقق حلّی، ۱۴۰۳، صص ۱۴۳-۱۴۹) و در سایر آثارش نیز، به کرات بر بی اعتباری اخبار آحاد در مقابل اطلاعات و عمومات قرآنی (شیخ طوسی و محقق حلّی، ۱۴۱۲، ج ۲، صص ۳۴۴، ۴۳۵، ج ۳، ص ۱۶۵ / محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۱۱۰، ۴۰۸ / همان، ۱۳۷۱، صص ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۷۲) و حتّی اصول (شیخ طوسی و محقق حلّی، ج ۲، ص ۳۹۷ / همان، ج ۳، ص ۲۰۵ / محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۲۲۴-۲۲۵ و ۵۳۷) تأکید می کند. بنابراین، چنین خبری نمی تواند دارای حجّیت باشد و در زمره احادیث نامعتبر و فاقد حجّیت به شمار می آید. محقق از این جهت مخالف با نظریه شیخ طوسی است که حجّیت خبر ظنی را پذیرفته است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۰). فارغ از نظریه محقق حلّی در مورد اخبار آحاد، ایشان در عرصه عمل به اخبار در مقدمه «المعتبر» چنین می نویسد: «جماعت حشویه^۱ در عمل به اخبار افراط کردند و در برابر هر خبری تسلیم شدند... در مقابل برخی تنها به اخبار سلیم السند اکتفاء کردند... برخی نیز در ردّ خبر افراط کردند و عمل به آن را عقلاً و نقلاً محال دانستند و عده ای نیز عقل را مانع ندانستند، اما مدّعی شدند که شارع اذن عمل به خبر نداده است. لیکن همه این دیدگاهها انحرافی است و نظر صحیح حدّ وسط است، یعنی باید به هر خبری که اصحاب آن را پذیرفته اند یا قرائنی بر صحّت آن دلالت دارد، عمل شود و واجب است هر خبری که اصحاب از آن اعراض کرده اند و یا شاذّ به حساب آید، کنار نهاده شود» (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹).

محقق حلّی در این بیان، نوعی از حجّیت را برای خبر واحد به اعتبار عمل اصحاب و قرائن تعریف کرده است. وی خبری را که مورد قبول اصحاب باشد و یا اینکه ایرادی از طرف آنان بر آن وارد نشده باشد صحیح قلمداد می کند (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰) و عمل به آن را جایز می داند: «فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن علی صحته عمل به» (همان، ص ۲۹). با بررسی کتاب «المعتبر» محقق حلّی دریافته ایم که موارد کاربرد این قسم از حجّیت، غالباً احادیثی هستند که نه براساس ناهماهنگی با دلایل قطعی، بلکه براساس نظریه متأخران اعتبارسنجی شده اند و در دسته احادیث ضعیف قرار دارند، چرا که آنها حدیث ضعیف را اینگونه تعریف کرده اند: «هو ما لا یجتمع فیه شروط الصحیح و الموثق و الحسن، بأن یشتمل طریقه علی مجروح بالفسق و نحوه، أو مجهول الحال، أو ما دون ذلک، کالوضّاع» (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۸۶ / عاملی، ۱۴۰۱،

۱. حشویه بر فرقه ای از عامّه اهل سنت) اطلاق می شود که به هر خبری، هر چند متناقض عمل می کنند و به ظواهر قرآن، هر چند مخالف با دلیل قطعی تمسک می جویند. این فرقه همان افراطیون اهل سنت هستند و به نظر عقلی بی اعتنا بوده و این نظرات را بدعت می دانند (معتزلی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۴).

ص ۹۸ / میرداماد، ۱۴۲۲، ص ۴۲ / نیز، ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۵، ص ۵). حدیثی که شروط روایات صحیح، موثق و حسن را ندارد ضعیف شمرده می‌شود، حال یا راوی سند به سبب فسق و مانند آن، تضعیف شده یا مجهول الحال و یا بدتر، جعل کننده حدیث است.

زمینه‌های این سبک از اعتبارسنجی برای محقق به یکباره نبوده و وی پیش از این، از لحاظ اصولی به مسأله سند و نقش راویان در ارزیابی روایات حتی پیش از علامه حلی پرداخته است و ایمان، عدالت و ضبط را از بایسته‌های یک راوی می‌داند و از این رو، دیدگاه شیخ طوسی را در زمینه عمل شیعیان به خبر راویان فاسدالمذهبی چون فطحیان را نمی‌پذیرد (محقق حلی، ۱۴۰۳، صص ۱۴۹-۱۵۱). بنابراین، وی ابتدا در مطالعات اصولی خود نظریه اعتبارسنجی روایات را براساس ارزیابی راویان سازماندهی کرده بود و در عمل نیز در کتاب «المعتبر» در مسأله ارزیابی روایات در درجه اول با نقد سند مواجه می‌شویم. تقابل با حجم بسیاری از روایات ضعیف و ناکافی دانستن سند و ضعف راوی برای حکم به طرح روایات، محقق را به سمت اعتباربخشی به این دسته از اخبار سوق داده است. اینجاست که در اظهارات وی به مطالبی چون «لا مصنفَ إلیا و هو قد یعمل بخبر المجروح کما یعمل بخبر الواحد المعدل» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹) برخورد می‌کنیم. در نتیجه، احراز حجیت برای محقق در تعامل با روایات ضعیف در اولویت قرار می‌گیرد، امری که وی آن را در راستای کاربردی کردن این قسم احادیث به کمک قرائنی که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، انجام داده است.

۳- انواع حدیث ضعیف از نظر محقق حلی

مهمترین عوامل ضعف روایات طبق اظهارات محقق حلی عبارت است از:

۱. ضعف راوی یا راویان به دلیل عواملی چون: فساد مذهب، مجهول بودن راوی، دروغگو بودن راوی، انفراد راوی در نقل روایتی، شهرت راوی به انحراف، وجود طعن در راوی؛
۲. انقطاع و عدم اتصال در زنجیره سند: شامل روایات مرسل و مقطوع؛
۳. داشتن معارض سلیم؛
۴. موقوف بودن روایت به راوی ضعیف؛
۵. اضطراب در لفظ و متن.

روایات ضعیف نزد محقق در اعتبار به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) خبر ضعیف مردود: خبری که به واسطه مخدوش بودن سند و راویان آن ضعیف شناخته می‌شود و نتوان ضعف موجود در آن را به کمک قرائن جبران کرد. این دسته از روایات فاقد اعتبار هستند؛

ب) خبر ضعیف مقبول یا منجبر: خبری که در بررسی اولیه از آن به واسطه ضعف راوی یا عدم اتصال در سند و گاهی هم اضطراب در متن ضعیف شناخته می‌شود، ولی ضعف موجود در آن به واسطه قرائن قابل جبران است و فقها به مضمون آن عمل می‌کنند (فضلی، ۱۴۱۶، صص ۱۷۰-۱۷۱). این دسته از روایات نزد محقق دارای اعتبار و حجیت هستند.

۴- شیوه‌های اعتباربخشی به روایات ضعیف

محور قرار دادن سند و راوی در ارزیابی روایات سبب شده است که بسیاری از روایات در زمره احادیث ضعیف قرار گیرند. عملکرد عالمان حلّه خصوصاً، محقق حلّی نشان از آن دارد که هرچند روش ارزیابی سندی منجر به ضعف روایات زیادی شده است، اما اینگونه نبوده که کاملاً، تسلیم این نتایج شوند، بلکه درصدد اعمال شیوه‌هایی برای پذیرش این دسته از روایات برآمده‌اند، روشهایی که برای عالمان حلّی در پذیرش روایات، درجه اعتبار آنها بیشتر از نتایجی بوده که از ارزیابی سند و راویان به دست آمده بود. محقق حلّی در اعتباربخشی به روایات ضعیف روشی دارد که در ادامه تبیین می‌گردد:

۴-۱- اعتماد به اندیشه و عمل اصحاب^۱

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای مکتب محقق حلّی در اعتباردهی به روایات ضعیف، توجه به عملکرد عده‌ای تحت عنوان «اصحاب» است که همواره جهت‌گیری آنها برای وی حجت‌آور بوده است. استفاده از این قرینه، از ویژگی‌های اندیشه فقهی محقق به شمار رفته و کاربرد فراوان این قرینه و کلیدی بودن آن نزد وی شاهد بر این سخن است. معیار و ملاک محقق در استفاده از عمل اصحاب برای جبران ضعف روایت، عمل همه اصحاب نیست بلکه شیوه اکثر آنها کفایت می‌کند. برای مثال، پس از اشاره به روایتی در مورد اعتکاف که در سند آن، یک راوی واقفی مسلک وجود دارد، آورده است: «فإنه و ان كان ثقة لکنه واقفی، و أكثر الأصحاب علی العمل بروایت، و

۱. یکی از دلایلی که ما در اینجا از اصطلاح «اصحاب اجماع» استفاده نکردیم، این است که بر این باور هستیم که نزد محقق حلّی عمل تمامی اصحاب اجماع حجت نبوده است و مراد وی از اصحاب در اینجا، اصحاب اجماع نیست؛ در مقدمه کتاب «المعتبر» نیز وی اسامی این اصحاب را به صورت مختصر و گزینشی ذکر کرده است. علاوه بر این، محقق حلّی برخی از اصحاب اجماع نظیر «عبدالله بن بکیر» و «علی بن فضال» را ضعیف دانسته است (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳ و ۲۰۸ و ج ۲، ص ۷۱۶).

تنزیل الأخرى علی الأفضل، و هو أولى» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۷۳). محقق گاهی هم به جای عمل اصحاب، از تعابیری چون شهرت^۱ بین اصحاب و یا مقبولیت حدیث بین آنها استفاده کرده است.

«عمل اصحاب» ملاکی قطعی و حجّت‌ساز برای محقق حلی در اعتبار احادیث بوده است. به عبارت دیگر، این قرینه برای وی، هم نقش ایجاب حجّیت را ایفا می‌کند و هم نقش سلب حجّیت، به این معنی که گاه دیده می‌شود که محقق در روایت صحیح السندی به دلیل ناسازگاری با عمل اصحاب، به دیده تردید نگریسته است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۰) و گاهی هم روایت ضعیف السندی را به دلیل وجود همین معیار پذیرفته است. نمونه‌هایی از کاربرد این معیار نزد محقق به قرار زیر است:

۴-۱-۱-۱-۱-۱ راهیان فاسد المذهب

یکی از مهم‌ترین عناصری که در مدرسه حلّه اساس ارزیابی راویان قرار گرفته است، عنصر ایمان (شیعی بودن) است. عالمان حلی به شدت به این شرط پایبند بوده و در ارزیابی تمامی

۱. شهرت بین فقها دارای سه قسم «روایی، عملی و فتوایی» است و محقق از هر سه نوع آن برای اعتبارسنجی روایات بهره گرفته است.

الف) شهرت روایی: مراد از آن شیوع و شهرت نقل روایتی در بین محدثان و راویانی است که به دوران حضور نزدیک بوده‌اند (مشکینی، ۱۴۱۳، ص ۱۵۵)؛ نمونه آن در المعتمد: «و العمدة ما اشتهر بين الأصحاب من النقل المستفيض عن أكابر أهل البيت (عليهم السلام)، من ذلك: رواية عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال «صَوْمُ النَّافِلَةِ لَكَ أَنْ تُفْطِرَ فِيهِ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّيْلِ وَ صَوْمُ قَضَاءِ الْفَرِيضَةِ لَكَ أَنْ تُفْطِرَ فِيهِ إِلَى الزَّوَالِ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تُفْطِرَ» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۰۴؛ همچنین نک: همان، صص ۳۱۳، ۳۷۲ و ج ۱، صص ۵۷، ۶۱، ۱۷۶، ۶۸۱-۶۸۲).

ب) شهرت عملی: به معنای شیوع و شهرت عمل فقها در مقام فتوا به حدیثی است که سند آن روشن نبوده، مجهول یا ضعیف است (بروجردی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۹/ بهسودی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۳/ مشکینی، ۱۴۱۳، ص ۱۵۵). نمونه این مورد: «الوجه ترجیح الروایتین الأولیتین و ان کانتا مقطوعتین، لاشتھار العمل بهما بین الأصحاب، و دعوی أكثرهم الإجماع علی مضمونهما» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۳۷۵-۳۷۶/ همچنین نک: همان، ج ۱، صص ۳۲۵، ۳۵۷).

ج) شهرت فتوایی: مقصود آن است که در زمینه حکمی شرعی، فتوایی از فقها متداول بوده و به عنوان نظریه مشهور در آن حکم شناخته شده باشد، بی آنکه مستند روایی آن معلوم باشد (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۴۵ و ص ۱۴۶)، مانند: «و هذه الاخبار و ان کانت ما بین مرسل، أو عن ضعیف، لکن الفتوی بهذا مشھورة بین فقھاء أهل البيت اشتھارا ظاهرا فالعمل بها لازم» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۸۲، ۸۶، ۱۱۶، ۲۲۹).

راویان آن را اعمال کرده‌اند. این تدبیر آنها ناشی از آن بود که وثاقت در نقل را برای راویان حدیث لازم، ولی کافی نمی‌دانستند و وجود دو شرط «عدالت» - در معنای فقهی آن - و «ایمان» را برای پذیرش احادیث راویان ضروری قلمداد کردند. در نتیجه این مسأله آنها با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه شدند، زیرا شرط ایمان هیچ مناسبتی با احراز دو ویژگی اصلی وثاقت راوی یعنی راستگویی و ضبط نداشت و اعمال آن نیز منجر به ضعف و بی‌اعتباری بسیاری از روایات می‌شد. در چنین شرایطی، عالمان حلی به عنوان فقیهانی که باید فتوا دهند واحکام شریعت را بیان کنند، ناچار به چاره‌جویی شده و درصدد جبران ضعف روایات برآمدند. در این راستا، قرائنی را به کار گرفتند که نه تنها سیستم ارزیابی آنها را بی‌تأثیر می‌کرد، بلکه حتی شیوه‌های متداول احراز وثاقت راویان را نیز کنار می‌زد. به دلیل اینکه آنها هر جایی که لازم می‌دیدند، دو ویژگی اصلی و تخلف‌ناپذیر احراز وثاقت راویان (صدق و ضبط) را هم فراموش کردند و عمل اصحاب را - فی المثل - جبران‌کننده هرگونه ضعفی حتی کذب و عدم ضبط در راوی به حساب می‌آورند.

محقق حلی نیز «ایمان» به معنای «امامی بودن» را یکی از شروط لازم برای راوی برشمرده است و بسیار دیده می‌شود که روایات را به همین دلیل، تلقی به ضعیف می‌کند. به عنوان نمونه، وی روایت عثمان بن عیسی^۱ و همین‌طور روایت زُرعه و سماعه^۲ را به دلیل واقفی بودن ساقط و فاقد اعتبار (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶/ همان، ص ۱۲۰)، و روایت «عمار بن موسی»^۳ را به دلیل فطحی بودن فاقد حجیت بیان کرده است (همان، ص ۱۱۴). اما اگر ناقل روایتی فاسدالمذهب باشد، ولی مورد عمل اصحاب واقع شده باشد، حجیت آن برای وی محرز شده، هر چند روایت در اصطلاح متأخران ضعیف باشد.

نمونه اول: وی در باب طهارت و مسأله «نجاست یکی از دو ظرف و عدم تعین ظرف مورد نظر» برای عدم جواز استفاده از آب آنها برای وضو و اقدام به تیمم، روایتی را از شیخ طوسی

۱. روایة عثمان بن عیسی عن ابن مسکان عن ابي بصیر عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «إِذَا كَانَ الْمَاءُ ثَلَاثَةَ أَشْبَارٍ وَنِصْفًا فِي مِثْلِهِ ثَلَاثَةَ أَشْبَارٍ وَنِصْفٍ فِي عُمَقِهِ فِي الْأَرْضِ فَذَلِكَ الْكُرُّ مِنَ الْمَاءِ» و هو اختيار الشيخ، و علم الهدی، لكن عثمان بن عیسی واقفی، فروایتہ ساقطه....

۲. روی الحسين بن سعيد، عن أخيه الحسن، عن زرعة، عن سماعة قال: «سَأَلْتُهُ عَمَّا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ فَقَالَ: الْحَدِيثُ تَسْمَعُ صَوْتَهُ أَوْ تَجِدُ رِيحَهُ وَالْقَرْقَرَةَ فِي الْبَطْنِ إِلَّا شَيْءٌ تَصْبِرُ عَلَيْهِ وَالضَّحِكُ فِي الصَّلَاةِ وَالْقَيْءُ» ... و الوجه الطعن في السند، فان زرعة، و سماعة، واقفيان، فلا يعمل بروايتهما في تخصيص الاخبار السليمة...

۳. و احتج ابن بابويه (ره) برواية عمار بن موسى، عن الصادق (عليه السلام) قال: «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَمْسُ بَاطِنَ دُبُرِهِ؟ قَالَ: نَقَضَ وَضُوءَهُ وَإِنْ مَسَّ بَاطِنَ إِحْلِيلِهِ فَعَلَيْهِ الْوُضُوءُ وَإِنْ فَتَحَ إِحْلِيلَهُ أَعَادَ الْوُضُوءَ» ... و لا حجة في رواية عمار لضعفها، فان الرواة لها فطحية....

(ره) با روایانی چون عمار بن موسی فطحی و سماعه واقفی می‌آورد که در نقد آن می‌نویسد: «رد این روایت به دلیل فطحی و واقفی بودن راویان آن واجب نمی‌شود؛ اولاً، چون اهل حدیث به ثقه بودن آن دو شهادت داده‌اند، و ثانیاً، به دلیل اینکه اصحاب به روایت عمل کرده‌اند...» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۴/ همان، ج ۲، ص ۳۸۳). این در حالی است که پیش‌تر گفتیم که محقق روایت «عمار بن موسی» را در مورد دیگری فاقد حجیت دانسته است.

نمونه دوم: وی برای بیان دیدگاه علمای امامیه در مورد وجوب یا عدم وجوب کشیدن آب از چاه، هنگامی که حیوانی در آن می‌افتد و می‌میرد، روایتی را با سند «ابن فضال عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقه عن عمار الساباطی» بیان می‌کند و در مورد آن می‌نویسد: «این مطلب که راویان سند فطحی هستند، عامل ضعف روایت نیست، چون... اصحاب به آن عمل کرده‌اند و خبر بین آنها مقبول واقع شده است» (همان، ج ۱، ص ۶۲).

۴-۱-۲- روایات مرسل

یکی دیگر از دلایل ضعف و اسقاط حجیت اخبار نزد محقق حلی، مرسل بودن روایت است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۵۳ و ۳۵۸). از جمله دلایل وی در رد خبر مرسل، مجهول بودن راوی آن و در نتیجه، عدم علم به عدالت وی ذکر شده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۱)؛ اما محقق حلی بسیاری از روایاتی را که مرسل هستند، به واسطه عمل اصحاب معتبر می‌شمارد. مانند موارد زیر:

نمونه اول: وی در مورد روایتی با سند «ابن أشیم، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله (ع)» می‌نویسد: «روایت مرسل است، ولی آن مطابق با روایات زیادی است که اصحاب در عمل خود به آنها تکیه داشته‌اند...»^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۲) یا اینکه می‌نویسد: «این روایت

۱. و فی روایة ابن أشیم، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَقْتُ الْمَغْرَبِ إِذَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ قَالَ: ثُمَّ إِنَّ الْمَشْرِقَ مَطْلُ عَلَى الْمَغْرِبِ هَكَذَا وَرَفَعَ يَمِينَهُ فَوْقَ يَسَارِهِ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ مِنْ هُنَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ هُنَا» و ابن أشیم ضعیف، و الروایة مرسله لكنها مطابقة لأحاديث كثيرة يعضدها عمل الأصحاب و الاعتبار.

هرچند مرسل است، ولی قبول و پذیرش اصحاب آن را تأیید می‌کند»^۱ (همان، ص ۳۹۳). در موردی دیگر می‌آورد: «روایت هر چند به دلیل مرسل بودن، ضعیف السند است، ولی اصحاب به آن عمل کرده‌اند»^۲ (همان، ج ۲، ص ۱۸۴).

همچنین، محقق حلی «مراسیل ابن ابی عمیر» را با همین معیار پذیرفته است. هرچند وی در مورد مراسیل این شخص دچار دوگانگی در نظر و عقیده است. در یک مورد می‌آورد: «این سخن که مراسیل ابن ابی عمیر مورد عمل اصحاب است، مردود است؛ چون در رجال او کسانی قرار دارند که علمای شیعه آنان را مورد طعن قرار داده‌اند و ممکن است هنگام ارسال، یکی از راویان مورد طعن، در سلسله سند باشد»^۳ (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۵) و در جایی دیگر، در بحث مربوط به آب کر پس از نقل روایت مرسلی از محمد بن ابی عمیر از امام صادق (ع) مبنی بر اینکه کر هزار و دویست رطل است، می‌نویسد: «امامیه بر طبق این روایت عمل نموده‌اند و اشکالی در مرسل بودن آن نیست؛ چه اینکه اصحاب ما به مراسیل ابن ابی عمیر عمل کرده‌اند»^۴ (همان، ص ۴۷).

۴-۱-۳- روایات مقطوع

یکی دیگر از مواردی که محقق حلی عمل اصحاب را جبران‌کننده ضعف سند حدیث دانسته است، در مورد روایات مقطوع است. به عنوان نمونه، وی در بیان دلیل ترجیح دو روایت؛ یکی با سند «محمد بن یعقوب الکلینی، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، رفعه» «عن ابی عبد الله (ع)» و دیگری روایت مرفوع «أیوب بن نوح» را اینگونه می‌نویسد: «دو روایت هرچند مقطوع هستند، ولی به دلیل مشهور بودن عمل به آنها در بین اصحاب و ادعای اجماع اکثری به

۱. و فی روایة جمیل عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله (علیه السلام) «فَیْمَنَ لَا یَدْرِی صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا وَ وَهْمُهُ فِی ذَلِكَ سَوَاءٌ فَقَالَ «إِذَا اعْتَدَلَ الْوَهْمُ فِی الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ فَهُوَ بِالْخِیَارِ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَةً وَ هُوَ قَائِمٌ وَ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ» وَ هَذِهِ وَ انْ كَانَتْ مَرْسَلَةً فَقَبُولُ الْأَصْحَابِ یُؤْبَدُهَا.

۲. و من طریق الأصحاب ما رواه الحسن بن علی بن فضال، عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله (علیه السلام) قَالَ: «الْسُّنَّةُ فِی صَلَاةِ النَّهَارِ بِالْإِخْفَاتِ وَ السُّنَّةُ فِی صَلَاةِ اللَّیْلِ بِالْإِجْهَارِ» وَ الرَّوَايَةُ وَ انْ كَانَتْ ضَعِيفَةً السُّنْدِ مَرْسَلَةً لَكِنْ عَمَلُ الْأَصْحَابِ عَلَی ذَلِكَ.

۳. مراسیل ابن ابی عمیر بعمل بها الأصحاب، منعنا ذلك، لان فی رجاله من طعن الأصحاب فیه، و إذا أرسل احتمال أن یكون الراوی أحدهم.

۴. روایة محمد بن أبی عمیر، عن بعض أصحابنا، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قَالَ: «الْكُرُّ أَلْفٌ وَ مَائَتًا رَطْلٌ» وَ عَلَی هَذِهِ عَمَلُ الْأَصْحَابِ، وَ لَا طَعْنَ فِی هَذِهِ بِطَرِيقِ الْإِرْسَالِ لِعَمَلِ الْأَصْحَابِ الْحَدِيثِ بِمَرَاسِيلِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ...

مضمون دو روایت ترجیح داده شده‌اند» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۵/ همچنین نک: همان، ج ۱، ص ۳۱۹).

۴-۱-۴- روایان مجهول

پیشتر گفتیم که محقق روایت راوی مجهول را به دلیل عدم علم به عدالت وی، فاقد اعتبار می‌داند، اما وی عمل اصحاب را پوشاننده این نقص در روایت می‌داند. در مورد روایتی از حسین بن راشد که راوی و پرسشگر آن از امام مشخص نیست، چنین می‌نویسد: «هرچند ناقل روایت ناشناخته است، اما اصحاب به مضمون این روایت عمل کرده‌اند» و روایت را به عنوان مؤید نظر خود آورده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۱/ همچنین نک: همان، ج ۱، ص ۳۴۷).

۴-۱-۵- روایات دارای ضعف طریق

طریق در لغت به معنای «راه» و جمع آن «طُرُق» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۲۰). این واژه در اصطلاح، مترادف با سند (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ص ۱۵۷) و به معنای سلسله روایانی است که توسط آنان حدیث از معصوم نقل می‌شود (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱). «طُرُق» زمانی استفاده می‌شود که روایتی به چند سند گزارش شده باشد. یکی از مواضع ضعف روایات از نظر محقق حلی، ضعف طریق بیان شده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴۹). وی عمل اصحاب را خنثی‌کننده این قسم از ضعف می‌داند: «طرق هذه الروایات كلها ضعيفة، لكن عمل الأصحاب أسقط اعتبار طرقها، و لا رجحان فيها فینبغی القول فیها بالتخیر» (همان، ج ۲، ص ۳۷۰).

۴-۲- اعتماد به قرائن

محقق حلی علاوه بر قبول و عمل اصحاب، قرائنی دیگر را در اعتباربخشی به روایات ضعیف به کار گرفته است، با این تفاوت که وی از «عمل اصحاب» در اغلب موارد به عنوان یک دلیل مستقل در اخذ و اعتبار روایت ضعیف استفاده می‌کند، ولی در مورد قرینه‌های دیگر، رویکرد اصلی وی تجمع چند قرینه با هم برای به دست آوردن حجیتی قابل قبول در پذیرش این دسته از روایات است. مهمترین این قرائن عبارتند از:

۴-۲-۱- شهادت بر ثقه بودن راویان

«ثقه»، یک تعبیر رجالی از راوی حدیث و بین متأخران در معنای لغوی یعنی مورد اعتماد و امین بودن راوی بکار رفته است (نک: ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۸۵ / جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۱۵۶۲-۱۵۶۳). دلیل این امر استعمال لفظ «ثقه» هم در مورد راویان امامی و هم غیرامامی است و در معنای آن مذهب راوی دخالت ندارد. بنابراین، نمی‌توان مورد کاربرد آن را معنای اصطلاحی این واژه دانست، چون در معنای اصطلاحی آن در علم رجال به امامی بودن راوی تأکید شده است (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۴۷ / کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۸۵).

محقق حلّی و شاگردش فاضل آبی، برای خبر راوی ثقه، حجّت مستقل قائل نبوده و چنین خبری را به ضمیمه امور و قرائن دیگر پذیرفته‌اند^۱ (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۴). به نظر می‌رسد از آنجا که در بین راویان غیر امامی افرادی وجود دارند که از طرف دانشمندان و عالمان توثیق شده‌اند، محقق حلّی در خصوص این افراد از قاعده تجمیع قرائن برای پذیرش خبر آنها استفاده کرده است. ایشان ضمن تصریحی در مورد اعتبار روایت علی بن ابی حمزه واقفی و عمار فطحی، عقل را مانع پذیرش خبرِ راویِ ثقه می‌داند و چنین اظهار می‌کند: «دلیل عمل به روایت راوی ثقه، قبول اصحاب و همراه شدن آن با قرینه است و در صورت عدم وجود این ملاک‌ها، عقل مانع از عمل به خبر ثقه می‌شود...»^۲ (همان، ص ۹۴). وی در ادامه همین مطلب

۱. این مطلب نشان از آن دارد که محقق حلّی و حتی شاگردش فاضل آبی توثیقات عام را در سیستم ارزیابی سندی ناکارآمد و مستقلاً فاقد اعتبار می‌دانند. به عنوان نمونه، نقل از اصحاب اجماع (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۲۳۸، ۳۷۵، ۵۵۶) و بودن راوی از بنی فضّال (خوئی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۱) از جمله توثیقات عام هستند، ولی در موارد بسیاری می‌بینیم که محقق حلّی روایتی را به دلیل وجود یکی از آنها ضعیف دانسته است (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۰۸ و ۲۱۰ و ج ۲، صص ۷۹، ۷۱۶).

۲. سؤالی که اینجا پیش می‌آید این است که چرا محقق حلّی به راوی ثقه اعتماد ندارد در حالیکه در بین متقدمان چنین اعتمادی بوده است؟ و اینکه چه باوری در پس استدلال محقق برای این منظور است؟ واقعیت این است که بار معنایی ثقه در بین متقدمان و متأخران متفاوت است. سبک اعتبارسنجی متقدمان متن محور و کتاب محور بوده است. از نگاه آنها راوی وقتی ثقه می‌شود که پنج عنصر را در خود داشته باشد؛ چه این پنج عنصر به عنوان پیش‌نیاز باشند، یا مقارن یا توابع: ۱. صحیح المذهب باشد؛ ۲. راستگو و امانتدار باشد؛ ۳. منفردات او قابل پذیرش باشد؛ ۴. محتوای روایاتش صحیح باشد؛ ۵. پایبند عملی به شریعت داشته باشد و اهل غلو نباشد. این شرایط باید جمع شود تا ثقه بودن راوی پذیرفته شود (حسینی شیرازی، شماره ۲۳ و ۲۴، <http://rahnamehmag.ir>), اما سبک اعتبارسنجی متأخران سند محور بوده و راوی ثقه در نگاه آنها، تنها وثاقت در نقل دارد. به همین خاطر محقق حلّی روایت راویان فاسدالمذهب را که ثقه هستند، ضعیف خوانده است. به عبارت دیگر، محقق وثاقت در نقل را برای راوی لازم می‌داند، ولی کافی

اشاره می‌کند که اگر خبر راوی ثقه با قرائن دیگر، به ویژه عمل اصحاب همراه نباشد، خبری واحد است و حجّت نیست.

بنابراین، سبب عمل محقق به روایت ثقه، شیوه اصحاب و قرائنی دیگر است. اگر اصحاب به روایت ثقه عمل نمی‌کردند، آن روایت به خودی خود تنها خبری ظن‌آور به حساب می‌آید و این ظن نیز سودی در پی نداشته و شایسته پیروی نبوده است: «فإنه كما لا يفيد العلم لا يفيد العمل» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۷). این همان شیوه‌ای است که شیخ طوسی نیز در «عدّة الأصول» بر آن تأکید کرده بود و آن را استوارترین دلیل برای پذیرش خبر واحد می‌دانست. گزینش این شیوه و همسانی آن با دیدگاه شیخ طوسی نشان‌دهنده راهیابی رگه‌هایی از استدلال‌ها و اندیشه‌های شیخ به آثار دانشوران اصولی پس از او از جمله محقق حلی است.

نمونه اول: در روایتی با سند «ابن فضال، عن عمرو بن سعید، عن مصدق بن صدقة، عن عمار الساباطی» از امام صادق (ع) سؤال می‌شود که اگر مردی پرنده‌ای را ذبح کند و از دستش در چاه بیفتد، باید چکار کند؟ امام (ع) می‌فرماید: چند دلوی از آب چاه بکشد، اگر پرنده را صید یا ذبح شرعی کرده باشد، ولی آنچه که در چاه می‌افتد و در آن می‌میرد، در بزرگترین آن یعنی انسان باید هفتاد سطل از آب چاه بکشد و در مورد کوچکترین آن یعنی گنجشک، کشیدن یک سطل آب کفایت می‌کند...^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲).

راویان این حدیث، از فرقه فطحیه هستند، ولی محقق حلی از فساد مذهب راویان چشم‌پوشی کرده است. البته، نه فقط به دلیل اینکه از ثقات هستند، بلکه مجموع قرائنی چون ثقه بودن راویان، سالم بودن از معارض، عمل اصحاب و قبول خبر بین آنها را دلیل بر حق بودن و درستی آن آورده است (همان).

نمونه دوم: محقق حلی در مسأله «نیم‌خورده حیوانات» دو روایت را آورده است: یکی از «علی بن حمزه» واقفی به این صورت که: «در باقیمانده آبی که کبوتر، مرغ و پرنده از آن خورده، اشکالی نیست» و دیگری از عمار ساباطی فطحی با این مضمون: «با آبی که پرنده‌گان از آن

نمی‌داند؛ بلکه باید امامی مذهب نیز باشد تا وثاقت او در اعتبارسنجی مفید واقع شود. همین باور بود که نظام اعتبارسنجی متأخران را به سمت جایگزین کردن «عدالت» به جای «وثاقت» سوق داد.

۱. سئل أبو عبد الله عليه السلام عن رجل ذبح طيراً فوقع من يده في البئر، فقال «ينزح منها دلاء إذا كان ذكياً و ما سوى ذلك مما يقع في بئر الماء فيموت فيه فأكبره الإنسان ينزح منها سبعون دلواً و أقله العصفور ينزح منها دلو واحد و ما سوى ذلك فيما بين هذين».

خورده‌اند، می‌توان وضو گرفت مگر اینکه در منقارش خون دیده شود». ایشان فساد مذهب دو راوی را که ثقه نیز هستند، مانع عمل به روایات نمی‌داند، چون دلیل قبول خبر ثقه را عمل اصحاب و انضمام قرینه دانسته که در اینجا برای وی حاصل شده است. علاوه بر اینکه فقها نیز، روایت این دو نفر را رد نکردند و به مضمون آنها عمل کرده‌اند (همان، ج ۱، ص ۹۴).

محقق خبر ثقه غیر امامی را با دلیل عقل رد می‌کند، ولی با عمل اصحاب و قبول آنها، می‌پذیرد. شاگردان وی، چون فاضل آبی و علامه حلّی نیز چنین تفکری را از استاد خود بهره گرفته‌اند. به عنوان نمونه، علامه حلّی روایات راویان غیر امامی^۱، ضعیف‌السند^۲ و روایات مرسل^۳ را با همین قرینه پذیرفته است.

۴-۲-۲- سالم بودن از معارض

یکی دیگر از قرینه‌های کاربردی محقق حلّی در بازآفرینی روایات ضعیف، این است که برای روایت از احادیث سالم و صحیح معارضی وجود نداشته باشد (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۴۹، ۶۲، ۱۰۴، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۴۹، ۳۱۹، ۴۳۱، ۴۳۴ و ج ۲، صص ۳۵۴، ۵۸۹، ۷۰۰، ۶۹۹) وی روایت صحیح را، سالم از وجود معارض توصیف می‌کند (همان، ج ۱، ص ۴۳۱).

این معیار نزد محقق حلّی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و غالب روایات ضعیف را با همین معیار پذیرفته است. در مسأله «صلاه جنازه» هنگامی که تشیع سه جنازه که یکی زن و دیگری مرد و سومی کودک است، همزمان می‌شود بین فقها در کیفیت قرار دادن آنها برای خواندن نماز اختلاف است. محقق پس از ذکر نظر شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» در مورد چگونگی قرارداد جنازه این افراد برای نماز، عقیده خود را اینگونه بیان می‌کند که نماز میت بر کودک واجب نیست، ولی بر زن واجب است و مراعات واجب، اولی است. وی برای تأیید عقیده خود به روایتی از امام صادق (ع) استناد می‌کند با این مضمون: «در جنازه‌های مردان و کودکان و زنان، ابتدا زنان را رو به قبله قرار می‌دهیم و بعد آنها کودکان را و سپس مردان را» (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۴). این روایت علاوه بر مرسل بودن، یکی از راویان آن «عبدالله بن بکیر» است، که محقق وی را اینگونه توصیف می‌کند: «هو فطحی لا أعمل بما ینفرد به»

۱. سماعة و عمار و إن كانا ضعيفين، إلا أن الأصحاب تلقت هذين الحديثين بالقبول (علامه حلّی، ۱۴۱۲، مقدمه، ص ۶۴).

۲. روی الشیخ، عن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: « لا يمسُّ الجنبُ درهماً ولا ديناراً عليه اسمُ الله تعالى » و الرواية ضعيفة السند، لكن عمل الأصحاب يعضدها، ولأن ذلك مناسب للتعظيم (علامه حلّی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۲۰).

۳. ما رواه ابن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام: في الرجل يسلف الدرهم في الطعام إلى أجل فيحل الطعام فيقول ليس عندي طعام و لكن أنظر ما قيمته فخذ مني ثمنه قال: « لا بأس بذلك ». لا يقال: هذه رواية مرسله. لأننا نقول: عمل الأصحاب على مراسيل ابن أبي عمير (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۴۰).

(همان، ج ۱، ص ۲۱۰). با وجود این ایرادات در سند و ضعیف بودن آن، محقق از این روایت به دلیل نداشتن معارض استفاده کرده است.

لازم به توضیح است، وی اگر برای روایت معارضی وجود داشته باشد، روایت را طرد و رها نمی‌سازد، بلکه تعارض بین روایات را با شیوه‌های رایج رفع نموده است. به این صورت که گاهی الزام به تخییر می‌کند^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۰ و ۱۰۵)؛ گاهی از روش‌های جمع عرفی بین روایات بهره می‌گیرد. مانند موارد زیر:

۱. حمل مطلق بر مقید (همان، ج ۱، ص ۱۱۹)؛

۲. حمل بر اباحه و کراهت (همان، ص ۲۲۶)؛

۳. حمل بر جواز و استحباب (همان، ج ۲، ص ۵۶)؛

۴. حمل نهی بر کراهت (همان، ص ۶۲)؛

۵. حمل وجوب بر استحباب (همان، ص ۴۹۵).

و گاهی هم به واسطه مرجحات روایتی را بر دیگری ترجیح داده است، این مرجحات عبارتند از:

۱. مطابقت با ظواهر قرآنی (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۱۵۰، ۱۵۳، ۴۲۳)؛

۲. سلامت سند (همان، ج ۱، صص ۳۸۶، ۵۸ و ج ۲، صص ۳۴، ۱۸۶)؛

۳. ترجیح روایت به دلیل کثرت و قوت، شباهت به اصل و مورد تمسک در عبادت (همان، ج ۱، ص ۲۱۵)؛

۴. ترجیح خبر اثبات بر نافی (همان، ج ۱، صص ۳۱۰، ۲۸۰ و ج ۲، صص ۱۶۸، ۳۳۹)؛

۵. شهرت عمل اصحاب به روایتی و ادعای اجماع عمل به مضمون آن (همان، ج ۱، ص ۶۸ و ج ۲، ص ۸۵)

۶. شهرت راویان خبر در عدالت و علم (همان، ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۳۴)؛

۷. ترجیح روایات دارای حکم أخف و أیسر (همان، ج ۱، ص ۴۰۱ و ج ۲، ص ۳۴)؛

۸. کثرت در نقل (همان، ج ۱، صص ۲۵۴، ۵۷ و صص ۲۱۵، ۲۲۵ و ج ۲، ص ۳۴)؛

۹. مشهور بودن روایت (همان، ج ۱، ص ۴۶۳)؛

۱۰. ترجیح قول بر فعل (همان، ج ۱، ص ۱۲۴ و صص ۲۹۳، ۳۱۴ و ج ۲، ص ۲۱۱)؛

۱. محقق حلی گزینه «تخییر» را در جایی به کار می‌برد که دو طرف تعارض در حالت تساوی باشند و امکان ترجیح

یکی از دو طرف وجود نداشته باشد (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۷۹، ۴۰۵، ۴۴۵ و ج ۲، ص ۸۰۰).

۱۱. ترجیح خبر راوی ثقه بر خبر مرسل (همان، ج ۱، ص ۲۳۱)؛

۱۲. ترجیح خبر خاص بر عام (همان، ج ۱، ص ۴۱۲).

در مواردی هم دیده می‌شود که در صورت وجود معارض، حکم به ترک عمل و یا رد روایات می‌دهد^۱ (همان، ج ۱، صص ۴۹، ۴۲۹).

۴-۲-۳- مطابقت با روایات صحیح

با تغییر نوع ارزیابی روایات در مدرسه حله، تنوع چهارگانه احادیث به اقسام صحیح، حسن، موثق و ضعیف شکل گرفت. براساس تعریف متأخران، حدیثی صحیح به شمار می‌آید که سند آن به معصوم (ع) متصل بوده و راویان آن در همه طبقات امامی و عادل باشند^۲. محقق حلی در کتاب «المعتبر» به ندرت از اصطلاح حدیث «صحیح» استفاده می‌کند که تعداد آن به بیش از ۱۰ مورد نمی‌رسد، مانند اینکه در روایتی در ذکر موارد غسل می‌نویسد: «الروایة صحیحة السند...» (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۰) و ظاهراً مراد وی همان خبری است که راوی آن عادل و امامی بوده و دارای سندی متصل است و فقها بر مضمون آن اتفاق نظر دارند (همان، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۲، ص ۱۰۲).

یکی دیگر از قرائن محقق در اعتباربخشی به اخبار ضعیف، مطابقت با روایات صحیح است. برای نمونه، محقق روایتی را به عنوان تأیید در مسأله چگونگی ادای نماز نوافل از امام باقر (ع) نقل می‌کند با این مضمون: « مَا أَصَلَّى النَّوَافِلَ إِلَّا قَاعِدًا مُنْذُ حَمَلْتُ هَذَا اللَّحْمِ: نوافل را تنها به صورت نشسته ادا می‌کنم از زمانی که چاق شدم». وی به این روایت به دلیل مطابقت با اخبار صحیح استناد جسته است، هرچند راویان آن واقفی هستند (همان، ج ۲، ص ۲۴/همچنین نک: همان، ج ۲، ص ۴۶۱).

۴-۲-۴- مطابقت با «نظر»

یکی دیگر از قرینه‌های محقق حلی برای جبران ضعف روایات، تأیید روایت به وسیله «نظر» است. وی در کتاب اصولی «معارج الأصول» در توضیح «نظر» چنین آورده است: «نظر، نظم و

۱. از آنجا که تفصیل این بحث مراد اصلی ما در این پژوهش نیست؛ بنابراین، این مقوله به صورت مختصر در اینجا ذکر شد و بحث تفصیلی آن به مجال دیگری موکول می‌شود.

۲. در کتاب مشرق الشمسین شیخ بهائی حدیث صحیح به نقل از شهید اول از کتاب «ذکری الشیعه فی احکام الشریعه» اینگونه تعریف شده است: «الصحیح بما اتصلت روايته الى المعصوم (ع) بعدل الامامی» (شیخ بهائی، ۱۴۱۴، صص ۲۵-۲۶). شهید ثانی نیز می‌نویسد: «الصحیح ما اتصل سنده إلى المعصوم، بنقل العدل الامامی عن مثله، فی جمیع الطبقات، حیث تکون متعددة، (و إن اعتراه شذوذ) (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۷۷).

چینش دانش‌ها یا گمان‌ها یا هردو به صورتی صحیح برای رسیدن به دانش یا اندیشه‌ای است» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۸). به عبارت دیگر، «نظر» همان دلیل قطعی یا نتایج حاصل از چینش مقدماتی هستند که روایات ناظر به آنها هستند و می‌توانند عاملی بر اعتبار روایات باشند و به مضمون آنها قوت ببخشند. به عنوان مثال، وی بر این عقیده هست که اگر در هنگام نماز مستحبی یکی از سوره‌های «عزائم» خوانده شود، از آنجا که این سوره‌ها سجده واجب دارند، در صورتی که سجده در انتهای سوره نباشد، باید فرد پس از آیه سجده کند، چون وجوب این سجده امری مطلق است و بعد برخیزد و ادامه سوره را بخواند و سپس، رکوع و سجده رکعت را بجا بیاورد و چنانچه امکان سجده برای وی نباشد، به عنوان مثال در حال نماز جماعت باشد، در چنین حالتی سجده به صورت ایماء و اشاره، انجام می‌شود. وی در این مسأله از روایاتی ضعیف استفاده می‌کند که دلیل این امر تأیید آنها به وسیله «نظر» هستند (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۱۹۰-۱۹۱؛ همچنین رک: ج ۱، صص ۱۲۴-۱۲۵، ۱۷۹، ۹۱). بنابراین، «نظر» همان دلیلی است که در خارج از روایت به صورتی قطعی و مسلم بوده است و در این مورد، همان وجوب سجده برای قاری و شنونده آیات سجده‌دار چهار سوره «علق، نجم، فصلت و سجده» است (حرّ عاملی، بی تا، ج ۶، ص ۲۴۱).

۴-۲-۵- مطابقت با «اصل»

مطابقت روایت با «اصل» یا «اصول»، از دیگر قرائن محقق حلی در اعتبار به روایات ضعیف است. «اصل» معنای لغوی و اصطلاحی دارد. محقق در «معارج الأصول» تعریف لغوی «اصل» را اینگونه آورده است: «هو ما یبتنی علیه الشیء و یتفرع علیه»؛ اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا و یا از آن منشعب می‌شود^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۴۷). اما مراد محقق در کتاب «المعتبر» از اصلی که جبران کننده ضعف روایات است، معنای اصطلاحی این واژه است. در تعریف اصطلاحی «اصل» آمده است: «چیزی که برای تشخیص پاره‌ای از احکام ظاهری یا تشخیص وظائف مکلف در جایی که دسترسی به حکم واقعی میسر نیست، قانون‌گذاری شده باشد.

۱. در کتاب «کشف اصطلاحات الفنون و العلوم» تهانوی که یک کتاب اصطلاح‌شناسی ادبی است، همین معنا برای «اصل» آمده است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۳۷).

همچون اصل استصحاب^۱ و اصل براءت^۲ (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۳۴/ حسینی حائری، ۱۴۰۷-۱۴۱۸، ج ۳، صص ۱۹-۲۲). اصل در معنای اصطلاحی شامل تمام اصول عملیه^۳ می‌شود.

برای نمونه محقق حلّی در مسأله «غُساله حمام» و اینکه آیا غسل با آن جایز است یا خیر؟، ابتدا روایتی از علی بن حکم از امام موسی کاظم (ع) می‌آورد که: «از غُساله آب حمام غسل نکن، چون در آن شخص جُنُب، زناکار و دشمن اهل بیت که بدتر از آنان است، غسل می‌کنند»^۴، این روایت دلیل عدم غسل را بیان می‌کند. حال اگر علم به آن داشته باشیم که خالی از نجاست است، با انتفاء سبب، نجاست آن نیز منتفی می‌شود، چون اصل در آب طهارت است مگر اینکه به وجود نجاست در آن یقین داشته باشیم. وی برای تأیید این منظور، روایتی دیگر را از «أبو یحیی واسطی» به صورت مرسل ذکر می‌کند که در مورد لباسی که از آب غُساله حمام به آن رسیده باشد، سؤال شده است و امام (ع) آن را فاقد اشکال می‌داند^۵. پس با غُساله حمام می‌شود غسل کرد مگر اینکه علم به وجود نجاست در آن باشد. محقق روایت دوم را با وجود اینکه مرسل هست، اما به دلیل اصل طهارت آب، دارای اعتبار برای تأیید می‌داند (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹۲). در نمونه‌ای دیگر، محقق روایتی را از «عمار بن موسی» نقل می‌کند در مورد زن بارداری که هنوز فرزند خود را به دنیا نیاورده است، ولی نشانه‌های نفاس بر وی ظاهر شود یا اینکه به دلیل غلبه درد قادر به خواندن نماز نباشد، می‌تواند قضای آن نمازها را بعد از ظاهر

۱. یعنی ثابت دانستن حکمی در یک زمان، از آن رو که در زمان پیش از آن، وجود داشته است (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۹).

۲. منظور آن است که تکلیفی بر دوش مکلف نیست تا آن گاه که دلیلی معتبر، تکلیفی را ثابت نماید (همان، ج ۳، ص ۲۷). محقق از اصل براءت با عنوان «البرائة الأصلية» نام برده است (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۲، ۲۵۲، ۴۶۲).

۳. اصول عملیه مجموعه قواعدی است که هنگام شک، حکم شرعی و وظیفه عملی فرد را مشخص می‌کند. کاربرد اصل عملی که به آن دلیل فقاهتی نیز گفته می‌شود در جایی است که فقیه بعد از جستجو در ادله (قرآن، سنت، عقل، اجماع) حکم شرعی را نمی‌یابد؛ در این موارد از طرف شارع، اصولی تعیین شده که وظیفه او را در مقام عمل روشن می‌کند. اصول عملیه یا در تمام ابواب فقه به کار می‌روند، مانند اصل براءت، احتیاط، تخییر و استصحاب، یا مانند اصالة الطهاره و اصالة الصحه در بخش‌های خاصی از فقه کاربرد دارند (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۳۴/ حسینی حائری، ۱۴۰۷-۱۴۱۸، ج ۳، صص ۱۹-۲۲).

۴. لَنَا مَا رُوِيَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَلَا تَغْتَسِلُ مِنَ الْبَيْتِ الَّتِي يَجْتَمِعُ فِيهَا مَاءُ الْحَمَامِ فَإِنَّهُ يَسِيلُ فِيهَا مَا يَغْتَسِلُ بِهِ الْجُنُبُ، وَوَلَدُ الزَّوْنَا، وَ النَّاصِبُ لَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ» (همان، ج ۱، ص ۹۲).

۵. و يؤيد ذلك ما ذكره ابن بابويه في كتابه، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: سئل عن مُجْتَمِعِ الْمَاءِ فِي الْحَمَامِ مِنْ غُسَالَةِ النَّاسِ يُصِيبُ التُّوبَ قَالَ «لَا بَأْسَ» (همان).

شدن به جا بیاورد^۱ (همان، ج ۱، ص ۲۵۲). یکی از قرائنی که محقق برای جبران ضعف این روایت که ناشی از فطحی بودن راویان سند آن می‌باشد، تأیید آن به وسیله «اصل» دانسته است (همان).

نتیجه‌گیری

پررنگ شدن مسأله حجیت خبر واحد در مدرسه حله و تمسک به دلیل نقلی برای دستیابی به حجیت آن، اساس تحول در شیوه عالمان این مدرسه در ارزیابی روایات است و در نتیجه سند و ویژگی‌های راوی به عنوان مهم‌ترین عامل در اعتباردهی به حدیث یا اعتبارزدایی از آن تلقی گردید. ابتدا شروط راوی در تفکر اصولی این مدرسه موضوعیت یافت و سپس، تقسیم خبر به صحیح، حسن، موثق و ضعیف شکل گرفت. این شیوه خاص اعتبارسنجی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معین و مشخص برای راویان، مکتب حله را با چالشی جدید روبرو کرد و آن حجم زیادی از روایات ضعیف بود.

تفکر اصولی محقق حلی در تعامل وی با روایات ضعیف سهم به‌سزایی داشته و همین امر باعث شده است که وی روش‌های اعتباربخشی به روایات ضعیف را در راستای بدست آوردن «حجیت» سامان بدهد. تلقی وی از این روایات، صرفاً روایتی مطرود و فاقد اعتبار نیست، بلکه دسته‌ای از آنها را به واسطه قرائن و مرجحاتی که نزد وی جایگاه ویژه‌ای دارند، مقبول و دارای اعتبار دانسته است.

از دیدگاه محقق حلی، مهم‌ترین قرائن در اعتباردهی به روایات ضعیف، عبارتند از: مقبولیت بین اصحاب و عمل آنها به روایت، وجود شهادت بر ثقه بودن راویان، سلیم بودن روایات از معارض، مطابقت حدیث با روایات صحیح، مطابقت حدیث با «نظر = دلیل قطعی» و «اصل». راهبرد محقق در اعتباربخشی به روایات ضعیف، تجمیع قرائن و استفاده از چندین قرینه بوده است و پس از این فرآیند، از روایات مذکور نه به عنوان دلیل مستقل، بلکه به عنوان شاهد و گواه استفاده کرده است.

۱. ما رواه عمار بن موسی عن أبي عبد الله عليه السلام: في المرأة يصبها الطلق أياماً أو يوماً أو يومين فتري الصفرة أو دماً قال: «تصلي ما لم تلد، فإن غلبها الوجع ففاتها صلاة لم تقدر على أن تصلي [تصليها]، فعليها قضاء تلك الصلاة بعد ما تطهر». وهذه وإن كان سندها فطحية، لكنهم ثقات في النقل، ولا معارض لها و يؤيدها الأصل.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ *نزهة النظر فی شرح نخبة الفکر*؛ بیروت: دارالارقم، بی تا.
۲. ابن فارس، أبو الحسین؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ به کوشش عبد السلام محمد هارون، بی جا: دار الفکر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
۳. ابن منظور، جمال الدین؛ *لسان العرب*؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. انصاری، مرتضی؛ *فرائد الاصول*؛ قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۵. بروجردی نجفی، محمد تقی؛ *نهایة الافکار*؛ تقریر اجاث آیه الله الشیخ آغا ضیاء العراقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۶. بهسودی، محمد؛ *مصباح الاصول*؛ تقریراً لبحث آیه الله العظمی سید ابوالقاسم الخوئی؛ تهران: نشر داوری، ۱۴۱۲ ق.
۷. تهانوی، محمد علی بن علی؛ *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*؛ ترجمه: عبدالله خالدی و جورج زیناتی؛ به کوشش علی فرید دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۸. جوهری، أبو نصر؛ *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*؛ به کوشش احمد عبدالغفور عطار، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۱۰. حسینی حائری، سید کاظم؛ *مباحث الاصول (تقریر اجاث السید محمد باقر الصدر)*؛ قم: مکتب الإعلام الإسلامی و مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۷-۱۴۱۸ ق.
۱۱. حسینی شیرازی، علیرضا؛ «*پیشینه اعتبارسنجی در شیعه و جایگاه سند در آن*»؛ رهنامه پژوهش، شماره ۲۳ و ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۱۲. خوئی، ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث*؛ ج ۳، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. سبحانی، جعفر؛ *أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدرّایه*؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، بی تا.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی؛ *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة*؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، بی تا.
۱۵. _____؛ *ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ *الرعاية فی علم الدرّایة*؛ قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. شیخ بهائی، محمد بن حسین؛ *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*؛ به کوشش مهدی رجائی، ج ۲، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۴ ق.

۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ به کوشش مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. _____؛ *العدة في أصول الفقه*؛ به کوشش محمدرضا الأنصاري القمي، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن و محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ *النهاية و نكتها*؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. عاملی، حسن بن زین‌الدین؛ *معالم‌الدین و ملاذ المجتهدین*؛ به کوشش سید منذر حکیم، قم: مؤسسة الفقه، للطباعة والنشر، بی‌تا.
۲۲. عاملی، حسین بن عبدالصمد؛ *وصول الاخبار الى اصول الاخبار*؛ به کوشش عبداللطیف کوه‌کمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، ۱۴۰۱ ق.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ *تهذیب الوصول الى علم الاصول*؛ به کوشش سید محمد حسین الرضوی کشمیری، لندن: مؤسسه الإمام علی علیه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. _____؛ *مختلف الشیعة في احکام الشریعة*؛ چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. _____؛ *منتهی المطلب في تحقیق المذهب*؛ مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. فاضل آبی، شیخ حسن بن ابی‌طالب یوسفی؛ *کشف الرموز*؛ به کوشش الشیخ علی پناه الاشتهاردی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا.
۲۷. فضلی، عبدالهادی؛ *اصول‌الحديث*؛ بیروت: مؤسسه أم القرى و التحقیق و النشر، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. کلباسی، ابو الهدی؛ *سماء المقال في علم الرجال*؛ به کوشش سید محمد حسینی قزوینی، قم: مؤسسه ولی العصر (ع) للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. مامقانی، عبدالله؛ *مقیاس الهدایه في علم الدرایه*؛ به کوشش محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. مجلسی؛ *الوجیزه في علم الرجال*؛ ترتیب: عبدالله سبزی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ *الرسائل التسع*؛ به کوشش رضا استادی، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۷۱ ش.

۳۲. _____؛ *المعتبر فی شرح المختصر*؛ به کوشش جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سید الشهداء(ع)، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. _____؛ *معارج الاصول*؛ به کوشش محمد حسین الرضوی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. مدیر شانه‌چی، کاظم؛ *علم‌الحديث*؛ ج ۱۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. مشکینی، علی؛ *اصطلاحات الاصول*؛ قم: دفتر نشر الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. مظفر، محمدرضا؛ *اصول الفقه*؛ ج ۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ ش.
۳۷. معتزلی، ابن ابی الحدید؛ *شرح نهج البلاغه*؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. میرداماد(سترآبادی)، میربرهان‌الدین سید محمدباقر؛ *الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیة*؛ به کوشش غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله لیلی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.